

زینب در آئینه خاطرات

سید جواد حسینی



هـ علم و فصاحت

شرکت کرد و درباره سخنان پیامبر ﷺ توضیح می داد و تجزیه و تحلیل می نمود. امام حسن و امام حسین ﷺ از بیانات زینب ﷺ متعجب شده بودند. وقتی سخنان زینب ﷺ به پایان رسید، امام حسن ﷺ رو به خواهرش کرد و فرمود: «أَنْتِ حَقًّا مِنْ شَجَرَةِ النَّبَوَةِ وَ مِنْ مَغْدِنِ الرَّسَالَةِ»^۱ به راستی که تو از درخت نبوت و از معدن رسالت هستی. یعنی علم و سخنان از مرکز نبوت و مخزن رسالت پیامبر اکرم ﷺ ریشه می گیرد.

چنان که در بخش نخست این مقاله اشاره شد، علم حضرت زینب ﷺ از ناحیه خداوند است؛ چرا که به قول امام سجاده ﷺ او عالم غیر معلمه است و مواردی که در زندگی آن حضرت واقع شده است نیز مسئله را تأیید می کند. در ذیل برخی از این موارد را با هم می خوانیم:

۱. شجره نبوی

روزی حسنین ﷺ درباره کلام پیامبر اکرم ﷺ پیرامون امور حلال، حرام و شبهه ناک بحث می کردند، حضرت زینب ﷺ نیز در بحث آنان

۱. فروغ تابان کوثر، ص ۷۴؛ السیدة زینب ﷺ، ص ۹۸.

۲. خطبه‌های زینب علیها السلام

خطبه‌های زینب علیها السلام در کوفه و شام با آنکه در سخت‌ترین شرایط روحی و نبود زمینه‌های مثبت برای یک سخنرانی خوانده شده است، اما واژه واژه آن بیانگر اوج مقام علمی زینب علیها السلام است.

«بشر بن حزیم اسدی» یکی از شخصیت‌های معروف آن روزگار می‌گوید: «سوگند به خدا! هرگز زنی را که سراپا شرم و حیا باشد، سخنران‌تر از زینب علیها السلام ندیده‌ام. او گویی از زبان پدرش امیر المؤمنین علی علیه السلام حرف می‌زد و سخن گفتن را از آن حضرت فرا گرفته بود.»^۱

فریشلر، نویسنده و محقق غربی، می‌گوید: «ایراد آن نطق در کوفه، ثابت می‌کند که آن همه مصایب و سختیها نتوانسته بودند روحیه آن زن (زینب علیها السلام) را مستزلزل کنند؛ در صورتی که این خطر وجود داشت که در حال سخنرانی وی را به قتل برسانند.»^۲

۳. کرسی تدریس

ماجرای جنگ «جمل» و «صفین»

که در سال ۳۶ هـ. ق به بعد رخ داد، باعث شد حضرت علی علیه السلام و افراد خانواده‌اش به عراق آمدند و در کوفه سکونت گزیدند. در نتیجه، زینب علیها السلام نیز حدود چهار سال در کوفه ماندگار شد و این مدت فرصتی بود برای زنان کوفه که از مقام علمی او بهره گیرند؛ لذا به وسیله مردان خود از حضرت علی علیه السلام خواستند که با زینب علیها السلام سخن گوید و رضایت او را برای تدریس و تشکیل مجلس درس برای بانوان جلب کند.

حضرت زینب علیها السلام از این درخواست استقبال و اعلام کرد: «در هر روز با مادام، مجلس درس در خانه امیر المؤمنین علی علیه السلام برای بانوان برگزار می‌شود.»

زنان کوفه نیز با شنیدن این خبر بسیار خوشحال شدند؛ لذا مشتاقانه هر روز در کلاس درس زینب علیها السلام شرکت

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۴۵، ص ۱۰۸.

۲. امام حسین علیه السلام و ایران، ص ۴۷۶؛ حضرت زینب کبری علیها السلام، عماد زاده، نشر محمد، ص ۱۷۵.

نموده، کسب علم و دانش می‌کردند. زینب علیها السلام در این مجالس، به تفسیر قرآن، احکام، مباحث تربیتی و ... می‌پرداخت و باعث ارشاد و راهنمایی بانوان می‌شد.^۱

آن حضرت شاگردان بسیاری را تحت آموزش خود قرار داد و آنان را تربیت کرد.

برخی از آنها به ازدواج کسانی در آمدند که از مقام و موقعیت نظامی یا سیاسی بالایی برخوردار بودند و توانستند با برخوردهای صحیح، افکار شوهران خود را اصلاح کنند و آنان را با مکتب اسلام آشنا نمایند و همین طور توانستند در جامعه تأثیرگذار شوند و نسلهای بعدی را با دستورات اسلام آشنا سازند.^۲

و. معیار انتخاب همسر و احترام

به شوهر

زینب علیها السلام فقط در شجاعت و خطبه خوانی و پیام رسانی الگو نیست؛ بلکه در انتخاب شوهر و معیارهای صحیح آن و همین طور شوهر داری برای تمام بانوان می‌تواند الگوی عالی باشد.

دختر علی علیه السلام وقتی به سن ازدواج رسید، خواستگاران بسیاری داشت که هر کدام از آنان دارای پست و مقام یا دارای ثروتهای کلانی بودند و حاضر بودند مهریه‌های سنگینی قرار دهند؛ ولی زینب علیها السلام آنها را رد می‌کرد و حتی حاضر نمی‌شد با برخی از آنان سخن گوید.

روزی از ایشان سؤال شد: ای دختر امیر المؤمنین! چرا خواستگاران را جواب می‌کنی؟ دختر علی علیه السلام فرمود: دلیل دارد. گفتند: علت چیست؟ فرمود: من هم مانند مادرم فاطمه علیها السلام برای ازدواج ملاک و معیاری دارم و نخستین معیار برای ما و پیروانمان (شیعیان) بندگی خداوند است و اخلاق نیک، نه ثروت و مهر بالا.^۳

با آن معیارها، عبدالله جعفر را که مرد متدین و دارای اخلاق نیک بود،

۱. زندگانی حضرت زینب علیها السلام، صص ۴۰-۴۵.

۲. همان، ص ۱۲۵.

۳. داستانهایی از حضرت زینب علیها السلام، ص ۱۴؛

حضرت زینب علیها السلام، امیر حسین علی قلی،

ص ۱۳.

به سوی عراق نزد شوهر آمد و چنین گفت:

«ای عبداللہ! برادرم عازم عراق است. محبت سرشار مرا به او می دانی. من به گونه ای هستم که لحظه ای بدون او نمی توانم زندگی کنم. نظر به اینکه سفر برای زنان بدون اجازه شوهر روا نیست، اینک برای طلب اجازه نزد تو آمده ام...»

اشک از چشمهای عبداللہ جاری شد و خطاب به زینب علیها السلام گفت: «زینب جان! این چه دگرگونی و حالتی است که در تو می بینم؟ هر کاری که دوست داری، انجام بده! از طرف من مانعی نیست.»

زینب علیها السلام بسیار خرسند شد و روح و قلبش آرام گرفت و مهیای سفر گردید.^۲

این حرکت زینب علیها السلام نشان می دهد که در اوج طوفان عاطفه که احساس جدایی از برادرش حسین را دارد، باز هم نهایت درجه احترام

انتخاب نمود و سعی کرد در زندگی و کارها رضایت او را جلب نماید که به نمونه هایی اشاره می شود:

۱. هنگام ازدواج

از آنجا که زینب علیها السلام علاقه سرشار و وصف ناپذیری به برادرش حسین علیها السلام داشت و از آینده انقلاب او خبردار بود و همین طور نقشی که باید در آن انقلاب ایفا کند، وقتی «عبداللہ بن جعفر» به خواستگاری او آمد، بنا شد دو شرط ذیل در ضمن عقد قرار داده شود و علی علیها السلام نیز عقد را مشروط به این دو شرط نمود:

۱. هرگاه زینب علیها السلام خواست برای دیدار برادرش حسین علیها السلام از خانه بیرون رود، مجاز باشد؛

۲. اگر زینب علیها السلام خواسته باشد در سفرهای برادرش حسین علیها السلام همراه او برود، عبدالله جعفر جلوگیری نکند.^۱

۲. هنگام حرکت به سمت کربلا

بر اساس دو شرط پیش گفته، زینب علیها السلام می توانست بدون اجازه شوهر همراه با برادرش به سفر کربلا برود؛ ولی با این حال رضایت فعلی شوهر را نیز جلب کرد و هنگام حرکت

۱. ریاحین الشریعة، ج ۳، به نقل از: سیره عملی

حضرت زینب علیها السلام، ص ۱۴.

۲. الخصائص الزینبیة، ص ۲۷۸.

را در آغوش گرفت و به خیمه آورد. زینب علیها السلام که به استقبال همه شهدا می آمد، به استقبال جنازه فرزندانش نیامد؛ مبادا بر اثر بی تابی او برادر شرمنده شود.^۱

ن. نظم و استفاده از وقت

یکی از مسائل مهمی که باعث موفقیت انسان می شود، نظم و برنامه ریزی و استفاده بهینه از زمان در زندگی است. بدون نظم و برنامه، هر چقدر هم هدف و مقصد ارزشمند باشد، باز راهی به جایی نمی برد. حضرت زینب علیها السلام شاگرد مکتب پدری است که در آخرین لحظه شهادت به حسنین علیهما السلام فرمود: «أَوْصِيكُمْ... بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ»^۲ شما را به تقوا و نظم در کارها سفارش می کنم.

لذا در تمام امور از جمله: شوهرداری، بچه داری، کار منزل، رسیدگی به آموزش و تعلیم و تربیت شاگردان، صله رحم، حل و فصل

به شوهر را فراموش نمی کند و جلب رضایت او را کاملاً مد نظر قرار می دهد.

۳. جهاد فرزندان با اجازه شوهر

روز عاشورا زینب علیها السلام پسران خویش «عون» و «محمد» را آماده جنگ و شهادت کرد. آن گاه نزد برادرش حسین علیه السلام رفت و اجازه خواست تا فرزندانش به میدان بروند. نخست حضرت اجازه نداد و فرمود: «زینب جان! شاید همسرت عبد الله راضی نباشد.»

زینب علیها السلام پاسخ داد: چنین نیست، بلکه شوهرم به من سفارش کرد که: پسرانم در کارزار جلوتر از پسر برادرت به میدان بروند.

بنابراین، دو باره اجازه خواست و اصرار کرد. سرانجام امام حسین علیه السلام اجازه داد و آن دو برادر به جنگ پرداختند. محمد به زمین افتاد. عون در کنار بدن غرق به خون او حاضر شد و گفت: «برادر جان! شتاب مکن! من نیز به زودی به تو می پیوندم.» عون نیز به جنگ ادامه داد تا شهید شد. امام حسین علیه السلام پیکر به خون آغشته آن دو

۱. زندگانی حضرت زینب علیها السلام، ص ۷۴؛ تذکره الشهداء، ص ۱۵۶.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

هیچ مدیری در برنامه ریزی و رسیدن به آرمانهای خود نمی تواند موفق باشد، مگر آنکه نخست مدیر خود گردد و پیش از مدیریت بر دیگران، نخست قادر به اعمال اراده در خود و مالک نفس خویشتن باشد

گرفتنی بود، امام در جریان این نهضت و در طول مدت مبارزه اش به وی گوشزد کرده بود و او نیکو می دانست که چگونه گام بردارد تا به نتیجه مطلوب برسد.

خطبه ها و سخنرانیهای زینب علیها السلام آن گونه نبود که بر اثر تحریک عواطف و ناراحتیهای روحی و فشار مصایب

مشکلات دیگران، رسیدگی به امور فقرا و بینوایان، مسائل عبادی و... دارای نظم بود؛ مخصوصاً در اداره اسرا و برنامه هایی که در کوفه و شام اجرا کرد، به خوبی از نظم و برنامه ریزی جهت استفاده بهینه از وقت بهره گرفت.

مورخان نقل می کنند: «زینب علیها السلام برای وقت خویش بسیار اهمیت قائل می شد؛ به گونه ای که در منزل هم گندم آرد می کرد و هم ذکر می گفت و یا این که هنگام بازی با کودکانش مطالبی نیز به آنان می آموخت و یا اینکه هنگام دید و بازدید از دوستان و آشنایان، نکته هایی آموزنده از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کرد تا هم دید و باز دید شده باشد و هم مهمانان با سخنی از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر آشنا شوند. هیچ گاه دیده نشده که حضرت وقتش را بیهوده به هدر دهد.»^۱

ح. تدبیر و اندیشه

یک عمر آگاهی و کارورزی، زینب علیها السلام را پخته و ورزیده کرده بود؛ به ویژه آنکه تحت لوای برادرش امام حسین علیه السلام قدم بر می داشت. آنچه فرا

۱. زندگانی حضرت زینب علیها السلام، صص ۱۹ - ۲۰؛ زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ص ۳۷۱.

خود توانست این سه وظیفه مهم را بعد از شهادت امام حسین علیه السلام به نحو احسن و با مدیریت قوی به پایان رساند: اول، از حجت خدا و امام وقت، حضرت سجاد علیه السلام حمایت کند و ایشان را از گزند دشمن حفظ نماید؛ دوم، پیام شهیدان کربلا را به همه جا برساند و راه آنها را دنبال کند و این از همه مهم‌تر بود؛

و سوم، طبق وصیت برادرش امام حسین علیه السلام از خانواده‌های شهیدان و کودکانی که پدران آنها به شهادت رسیده‌اند، حمایت و سرپرستی کند و روحیه آنها را در سطحی عالی نگاه دارد.^۳ دکتر عایشه بنت الشاطی، محقق و نویسنده مصری، در باره وظیفه حقیقی زینب علیه السلام بعد از ماجرای کربلا، چنین می‌نویسد: «به نظر من، وظیفه حقیقی زینب علیه السلام بعد از فاجعه کربلا شروع شد و آن وقتی بود که موظف شد از

گفته شود؛ بلکه از روی نقشه دقیق و تدبیر شده و منظم، هر قسمت در جای خود و در حد لزوم و فرصت گفته شد و جایگاه سکوت و خاموشی وی نیز حساب شده بود. حضرت می‌دانست در کجا حرف بزند و کجا ساکت باشد؛ کجا مردم را به گریه اندازد و در کجایی اعتنا در برابر حوادث بگذرد. زینب علیه السلام سخنان خود را بیهوده بر زبان جاری نساخت؛ بلکه در جایی که لازم بود خود و خاندانش را معرفی کرد.^۱

در کوفه آن چنان مردم را گریاند که انقلابی بر پا ساخت و در مجلس یزید آن چنان بر سر یزید فریاد کشید که گویی هیچ ترسی ندارد و گاه به علی بن الحسین علیه السلام سفارش می‌کرد: «ای عزیز برادر! با یزید جز با گفتار نرم و ملایم سخن مگو؛ او ستمگر تیره بخت و سنگدل است.»^۲

ط. مدیریت زینب علیه السلام

حضرت زینب علیه السلام در انقلاب تاریخی و عظیم کربلا، سه وظیفه مهم بر دوش داشت که با درایت و موقعیت‌شناسی و صبر و شکیبایی

۱. زندگانی حضرت زینب علیه السلام، ص ۲۵۲.

۲. الخصائص الزینبیه، ص ۲۹۴.

۳. ر. ک: حضرت زینب علیه السلام پیام رسان شهیدان کربلا، صص، ۲۸ - ۲۹؛ فضایل و مصایب زینب علیه السلام، ص ۴۴.

او روحیه‌ای عظیم داشت و در مواقع مناسب می‌توانست خونسردی خود را حفظ کند و در هیچ یک از حوادث روحیه خود را از دست نداد

او روحیه‌ای عظیم داشت و در مواقع مناسب می‌توانست خونسردی خود را حفظ کند و در هیچ یک از این حوادث روحیه خود را از دست نداد و دچار تزلزل روانی نشد و یادست و پای خود را گم نکرد؛ زیرا توکل به خدا داشت و می‌دانست صبر در برابر سختیها، پاداشی بس عظیم دارد.^۱

از چمن تا انجمن جوش بهار زینب است
گر شهادت گل کند عطر مزار زینب است
زیورانس و محبت زینب خلق و وفا
زن، طلا باشد اگر در وی عیار زینب است

۱. زینب علیها السلام بانوی قهرمان کربلا، دکتر بنت الشاطی، ص ۹.

۲. ر.ک: رسالتی از خون و پیام، ص ۱۸۰.

دختران بی سرپرست بنی هاشم که مردان خود را از دست داده بودند، حمایت و نگره‌داری نمایند و تا پای جان از جوانی مریض (زین العابدین علیه السلام) دفاع کنند...، وظیفه دیگر زینب علیها السلام این بود که نگذارد بعد از آن ماجرای کربلا، خون شهدا به هدر رود.^۱

و زینب علیها السلام در تمام برنامه‌های فوق با مدیریت قوی و محکم پیروز و موفق گشت. روشن است هیچ مدیری در برنامه ریزی و رسیدن به آرمانهای خود نمی‌تواند موفق باشد، مگر آنکه نخست مدیر خود گردد و پیش از مدیریت بر دیگران، نخست قادر به اعمال اراده در خود و مالک نفس خویشتن باشد و بداند در هر موضع چگونه باید حرکت کند و زینب علیها السلام می‌دانست.

زینب علیها السلام زنی بود که مسلط بر خویشتن و مالک خشم و غضب خویش بود و می‌توانست عواطف خود را مهار کند. وی در شرایطی نبود که حزن و تأثر بر او سیطره یابد. او مالک اعمال خود بود؛ اگر چه همدم حزنها و مصیبتها و هم پیمان سختیها بود.